جلسه 52 88-87

# مکاسب محرمه / حفظ کتب ضلال

بسم الله الرحمن الرحيم

حفظ کتب ضلال- نگهداري کتاب‌هایی که منشأ گمراهي و ضلالت می‌شود- عنوانی است که بحث از آن در کتب فقهی و در کلام فقها دارای سابقه زیادی است اما بر خلاف مباحثی همچون تنجیم و تطفیف که با همين عنوان در آيات و روايات مطرح هستند ،این مبحث با همین عنوان در آیات و روایات مطرح نشده است . منشأ ورود این مسئله به مباحث فقهی و محل بحث از آن در بعضی کتب فقهی در باب غنایم جنگی است که ضمن بحث از غنایم جنگی این سؤال مطرح شده است که اگر کتب ضلال مانند انجیل و تورات محرَّف به غنیمت گرفته شد، حفظ و تملک آنها چه حکمی دارد البته غالباً جایگاه این بحث در کتب فقهی باب مکاسب محرمه است و غالباً هم با همین عنوان حفظ کتب ضلال از آن بحث کرده‌اند اما گاهی عده‌ای با عنوان کتابت یا نشر کتب ضلال و یا اینکه در کلام بعضی استثنائاتی از قبیل **يحرم حفظ کتب الضلال الا للنقض والردّ يا والحجة عليهم يا للتقيه و يا للضرورة** و امثال این به عنوان اضافه شده است .البته در اینکه اضلال ناس يعني هر کاري که موجب گمراهي ديگران شود از نظر شرعي ممنوع است ، هيچ بحث و اشکالی نیست بلکه بحث در اين است که حفظ کتب ضلال چه نسبتي با اين اضلال دارد.

# عدم موضوعیت عنوان حفظ

کلمه حفظ که در عنوان مطرح شده است، موضوعيت ندارد براي اين که در هيچ یک از ادله عنوان حفظ و نگهداري وارد نشده است ولذا بحث شامل کتابت و نسخه‌برداری و همچنین نشر و ترویج این کتب هم می‌شود البته همان‌طور که در ادامه می‌آید شامل سی دی و نوار و .... غیره می‌شود که حفظ در هر کدام به حسب خود باید ملاحظه گردد.

# عدم موضوعیت عنوان کتاب

کتاب عنوان دیگری است که در این بحث مطرح است و به آن مفهوم سنتی و کلاسیکش موضوعیت ندارد بلکه بحث شامل نرم‌افزار، فیلم ،کتابهای الکترونیکی و از این قبیل موارد می‌شود .

# انواع ضلال متصور در محل بحث

در ضلال هم که عنوان سوم در محل بحث است چند بحث‌ مطرح است که آیا مراد از ضلال، ضلال اعتقادی و آن هم در اصول اعتقادي است يا اینکه مراد مطلق ضلال اعتقادي چه در اصول و چه در غیر اصول است؟ آیا عنوان ضلال شامل ضلال اخلاقی و عملی هم مي‌شود ؟ آیا عنوان ضلال شامل تشکیک در احکام و فروع دین هم می‌شود؟

## نسبت عموم و خصوص من وجه بین ضلال و باطل

نکته ديگر که در باب ضلال مطرح است نسبت بین ضلال و باطل است که نسبت بين آن دو عموم و خصوص من وجه می‌باشد، ممکن است باطلي باشد که موجب گمراهي نمی‌شود مثل اينکه در کتابی مطلب باطلی باشد که در جامعه هيچ تأثيري نگذارد و ضلال بالفعل نداشته باشد و از آن طرف هم ممکن است چيزي حق باشد ولي مضلّ باشد ، ممکن است در دسترس کساني قرار بگيرد که به دليل عدم درک صحیح نسبت به آن موجب ضلالت می‌شود.

# ادله حرمت حفظ کتب ضلال

## دلیل اول آیه شش سوره لقمان

اولين آیه‌ای که به آن بر حرمت استدلال شده است آيه «**وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَري لَهْوَ الْحَديثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَها هُزُواً أُولئِكَ لَهُمْ عَذابٌ مُهين**»[[1]](#footnote-1) می‌باشد که شأن نزول آیه طبق آنچه در کتب روایی آمده است این است که شخصي براي اين که مردم را از شنيدن قرآن و توجه به آيات وحي بازدارد قصه‌هایي از اقوام و فرهنگ‌هاي غیر اسلامی روم و فارس جمع کرده و نقل می‌کرد و عده‌ای هم جمع می‌شدند و به آن گوش می‌دادند و همين موجب می‌شد که به سمت قرآن نروند و قرآن را نشنوند. البته معمولاً شأن نزول‌ها سند معتبري ندارد

لحن آیه با توجه به وعده عذاب لحن حرمت است و دلالت بر حرمت خرید و فروش می کند که حرمت شراء ملازمه عرفی با حرمت نگهداری و حفظ می کند البته آقای خویی در این ملازمه تشکیک کرده است .

### تبیین دلالت آیه بر حرمت

هر چند در ظاهر آیه نهی وجود ندارد اما به دو دلیل آیه دلالت بر حرمت به صورت کبیره می‌کنند.

1. دلیل اول وعده عذاب در آیه است که قدر مسلم شامل مضِل می‌شود.

دلیل دوم سیاق و لحن آیه است که این لحن و خطاب ، لحنِ حرمت است نه خطاب همراه با عتاب و مذمت يک امر تنزيهي و کراهي .البته لحن و سياق و وعده عذاب در آيه بعد هم مؤيد این مطلب است.

#### مراد از اشترا: خرید و فروش

در اینکه اشترا در آیه به چه معناست دو احتمال بیان شده است که احتمال اول درست است

اشتراء به معنی بيع و شراء است ،البته شراء گاهی به معنای خرید است و گاهی هم به معنای مطلق دادوستد می‌باشد که مراد از شراء همین معنای مطلق آن است.

احتمال دوم که قائل این احتمال مرحوم ايرواني و بعضي ديگر هستند ، «**یشتری»** را به معنی يتعاطي می‌دانند و اینکه هر نوع ارتباط و تعامل و بهره گیری-البته نه به معنای دادوستد- از حدیث لهو را شامل می‌شود .

#### معنای لهو در آیه و ارتباط آن با لعب

مراد از لهو هر فعل یا شی دانی و پست است که انسان را از امر بالاتر و عالی و ارزنده‌تری غافل کند همچنان که در آیه « **يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تُلْهِكُمْ أَمْوالُكُمْ وَ لا أَوْلادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ** »[[2]](#footnote-2) ، اموال و اولاد امر داني است و ذکر خدا امر عالي است. پس هر وقت که چيزي انسان را از يک امر بهتر و بالاتري باز بدارد لهو و ملهي می‌شود.

لعب هم به معنای بازي و سرگرمي است که غرض عقلایی در آن نباشد . ولي گاهی آن معنا تعميم پيدا کرده و به هر چيزي در مقابل غرض اصلي نسبت به آن ، غرض مهمي نداشته باشد اطلاق می‌شود ولي درهرصورت ترکيز در مفهوم لعب در همان عدم غرض عقلائی است و نکته ملحوظ در لهو ،اين است که مانع از يک غرض برتر در ادامه زندگي باشد.

#### تقسیم لهو به حرام و مکروه

نمی‌توان به طور عام گفت که هر لهوی حرام است براي اين که خيلي از ممارسات زندگي و اعمال و رفتارهاي مادي و دنيايي ،انسان را از خداوند غافل می کند ولي نمی‌توان هر چیزی که انسان را غافل از خدا مي کند حرام دانست .بلکه هر گاه لهو انسان از یک وظیفه فعلی منجز بازدارد آن لهو حرام می‌شود اما چيزي که انسان را از وظیفه فعلی منجز باز نمی‌دارد و واجبات خود را مانند نماز و جهاد را انجام می‌دهد ولي بر پيشرفت‌ها و ترقيات معنوي اثر می‌گذارد و جلوی آن را می‌گیرد و مانع آن می‌شود و یا اینکه می‌توانست در صورت عدم انجام این لهو به سمت مسائلي برود که او را متذکرتر بکند در این صورت این لهو مکروه است.

#### مراد از لهو در آیه شریفه

يک نوع ناسازگاري اوليه‌اي که معمولاً در ادله هست در آیه سوره لقمان نیز وجود دارد در آیه ،عبارت لهو به صورت مطلق آمده است ولی مطلق لهو را نمی‌توان حرام است و از طرفی دیگر بيان آيه، ‌بيان تحريمي است ، چون ظهور آيه در تحريم و حرمت لهو ، قوي است پس برای برطرف کردن این ناسازگاری باید لهو را به معنای خاص آن که حرام است گرفت و گفت که مقصود از اين لهو کاربرد تحريمي آن است و پرداختن به مطلق لهو نيست و به قرینه «**لِيُضِلَّ عَنْ سَبيلِ اللَّهِ**» مراد لهوي است که در مسير اضلال قرار گرفته است و هر لهوی که در مسیر هدایت دیگران مانع ایجاد کند و موجب گمراهی آنها شود حرام است

1. لقمان/6 [↑](#footnote-ref-1)
2. منافقون 9 [↑](#footnote-ref-2)